

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۵۱ و ۵۲ - بخش‌های دو آیه - بخش پنجم: «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»-

تاریخ: ۲۲ آبان ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۵

جلسه: ۱۱

مطلب پنجم: آثار شکر

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

خلاصه جلسه گذشته

در بخش پنجم یعنی «لعلکم تشکرون» تا اینجا مطالبی را ذکر کردیم؛ مطلب پنجم از این بخش درباره برخی آثار نعمت بود. به دو جهت در این رابطه اشاره کردیم؛ یکی اینکه شکر نعمت خودش نعمت است، یعنی اینکه کسی شکر نعمت‌های خداوند را بجا بیاورد، این خودش یک نعمت است. دوم اینکه موجب ازدیاد نعمت است؛ درباره این دو اثر اجمالاً توضیح دادیم.

ادامه بحث از آثار شکر

۳. اثر سوم این است که شکر موجب وسعت روحی انسان می‌شود؛ در آیه ۷ سوره ابراهیم این چنین آمده است: «لَسِنَّ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»، نمی‌گوید لئن شکرتم لأزیدنکم، می‌گوید اگر شما شکر نعمت‌های خداوند را بجا آورید، ما شما را زیاد می‌کنیم. این افزایش دادن و ازدیاد انسان یعنی چه؟ ظاهر این است که شکر باعث رشد و تعالی انسان و توسعه وجودی او می‌شود؛ شکر کأن گواه یک مرتبه‌ای از معرفت است چنانچه با شرایطش حاصل شود، نشان دهنده مرتبه‌ای از معرفت، نشان دهنده قرب به حق تعالی و اینکه انسان پی به ناچیز بودن خودش می‌برد، اینکه در عالم هستی چیزی از خود ندارد و هر آنچه به او عطا شده، نعمتی است که خداوند تبارک و تعالی به او داده است. این موجب بندگی بیشتر، خضوع بیشتر و اتصال بیشتر یا قرب بیشتر به حق تعالی می‌شود.

این یکی از آثار مهم شکر است که باعث سعه وجودی و رشد شخصیتی انسان می‌شود. واقعاً ممکن است کسی از نعمت‌های الهی هم بهره‌مند شود و از آنها هم استفاده کند اما این منجر به تعالی روحی و سعه وجودی انسان نشود. اگر کسی نعمت‌های خداوند را شکر کند، این مرحله‌ای از کمال است و باعث استکمال و سعادت انسان می‌شود.

۴. اثر چهارم شکر متقابل خداوند از انسان است؛ یعنی وقتی انسان خدا را شاکر باشد، خداوند هم متقابلاً شاکر انسان خواهد بود. خداوند اول نعمت به انسان می‌دهد؛ این خودش یک لطف است؛ حالا اصل وجود انسان خودش یک لطف است و این به جای خود. بعد این لطف کامل‌تر می‌شود با دادن نعمت‌ها و اعطای نعمت‌ها به انسان. اگر انسان شکر حقیقی به جا بیاورد، اعم از قلبی، لسانی و عملی، این موجب شکر متقابل خداوند خواهد شد. این شکر خداوند با آنچه در آیه «لئن شکرتم لأزیدنکم» گفتیم، فرق دارد؛ البته محتمل است ما شکر متقابل مولا در برابر عبد را عبارت از ازدیاد نعمت یا ازدیاد وجودی خود انسان بدانیم؛ گرچه اینکه بخواهد به ازدیاد نعمت برگردد، شاید بهتر باشد. علی

ایحال ممکن است منظور از شکر مولا در برابر شکر عبد، ازدیاد نعمت باشد؛ و ممکن است منظور از شکر متقابل مولا فراتر از این باشد؛ یعنی ازدیاد نعمت یک امری است و یک تشکری از طرف خداوند است، اما تشکر واقعی دایره گسترده‌تری دارد؛ یعنی بنده‌ای که شاکر باشد، علاوه بر اینکه نعمت‌های او زیاد می‌شود، به طور کلی امورش تحت هدایت و ولایت خداوند قرار می‌گیرد. انسان شاکر توسط خداوند راهبری می‌شود؛ خداوند مصلحت‌های او را در برابرش قرار می‌دهد و او را از سقوط در لغزش‌گاه‌ها و پرتگاه‌ها محافظت می‌کند. بالاخره وقتی بنده‌ای مورد توجه خداوند قرار بگیرد، حتماً خداوند دامنه لطف خودش را به بنده‌اش افزون می‌کند.

پس خداوند تبارک و تعالی بعد از آنکه به انسان نعمت عطا کرد، اگر انسان شکر کند، هم نعمت‌هایش افزون می‌شود، چه اینکه خود شکر یک نعمت است؛ علاوه بر این، نعمت‌های دیگری به او داده می‌شود و نعمت‌ها زیاد می‌شود؛ هم شخصیت خودش رشد پیدا می‌کند و وسعت روحی و سعه وجودی نصیب او می‌شود، هم خداوند از او تشکر می‌کند و شکر متقابل نسبت به او خواهد داشت؛ و شکر متقابل خداوند به این است که او را در سیطره هدایت و ولایت و راهبری خودش قرار می‌دهد و نور مسیر زندگی او را تأمین می‌کند؛ مسیر زندگی او را روشن می‌کند؛ او را از سقوط در باتلاق‌هایی که می‌تواند وی را نابود کند و به حیات روحی و معنوی انسان خاتمه بدهد، حفظ می‌کند. این خیلی مهم است که انسان به یک مرحله‌ای برسد که خداوند هم شاکر عبد شود، و شکر خداوند خیلی برکات و ثمرات فراوانی دارد. در آیه ۱۵۸ سوره بقره آمده: «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»، کسی که کار خیر کند، خدا هم آگاه و هم شاکر است؛ اصلاً یکی از اسماء حسناى الهی است؛ خداوند شاکر است؛ شاکر است یعنی چه؟ «وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»، خداوند غفور و شکور است. شکور بودن یا شاکر بودن خداوند به همان است که عرض کردیم؛ اینکه ممکن است مرتبه ابتدایی‌اش ازدیاد نعمت باشد اما مرتبه مهم‌تر آن چتر حمایتی خداوند نسبت به انسان است که در زندگی در زیر آن چتر حمایتی خداوند زندگی می‌کند.

۵. اثر دیگر از آثار شکر، موفقیت در آزمون ابتلا است. به طور کلی دنیا دار ابتلا است، دار آزمایش و امتحان است؛ اینکه «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»، ما وقتی به داستان خلقت و فلسفه خلقت نگاه می‌کنیم، این است که انسان‌ها خلق شدند تا مورد ابتلا و آزمون و آزمایش قرار بگیرند، تا در نتیجه این آزمون، به مراتب بالا و به مقام قرب الهی برسند؛ آنهایی که تلاش کنند در این آزمون توفیق برای آنها حاصل شود. قهراً با توجه به این مسأله، یکی از اموری که وسیله ابتلا و آزمایش انسان است، نعمت‌های خداوند است. خداوند تبارک و تعالی به انسان نعمت‌هایی می‌دهد؛ دادن نعمت‌ها یک آزمون و ابتلا است، سلب نعمت‌ها هم کذلک؛ برخورداری‌ها و محرومیت‌ها، هر دو ابتلا و آزمون است. عمده این است که کسی از این میدان‌ها سرفراز و سربلند بیرون بیاید یا متأسفانه شکست خورده و ناموفق. به حسب نظر واقعی، نه برخورداری از نعمت‌ها دلیل بر امتیاز و برتری کسی نزد خداوند است و نه بی‌بهرگی یا کم‌برخورداری از نعمت‌ها

دلیل بر این است که مثلاً این شخص در دستگاه الهی ارزش و اعتباری ندارد؛ اینها هیچ کدام ملاک و معیار منزلت انسان نزد خداوند نیست. چه بسیار کسانی که از نعمت‌ها به حسب ظاهر محروم هستند اما نزد خداوند عزیز و مقرب درگاه او هستند. پس اگر نعمت‌ها همه برای ابتلا و آزمون است و اینکه انسان با پشت سر گذاشتن این آزمون، یا به مقام قرب برسد یا به مقام کفر، شکر نعمت نشانه موفقیت در این آزمون است. اثر شکر یا اصلاً خود شکر همین است؛ کسی که شکر می‌کند، این حاکی از آن است که از این آزمون سربلند بیرون آمده است. شکر به معنای حقیقی، نه فقط شکر لسانی؛ یعنی هم شکر لسانی دارد، هم شکر قلبی دارد و هم شکر عملی (با توضیحی که عرض شد). کسی که نسبت به نعمت‌های خداوند شاکر باشد، معنایش آن است که از این آزمون سربلند بیرون آمده، چنانچه سلیمان پیامبر می‌فرمود «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ»^۱، آنچه که خدا به او عطا کرد، از ملک و حکومت و آن همه نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرد، اینها همه از فضل پروردگار است؛ برای اینکه من را مورد آزمایش قرار دهد؛ نتیجه این آزمون و ابتلا و آزمایش این است که آیا من شکر می‌کنم یا کفر می‌ورزم. پس شکر در حقیقت موفقیت در ابتلا انسان و آزمون انسان است؛ این یک اثر بسیار مهمی است برای شکر؛ کسی که شاکر است، یعنی در این آزمون به موفقیت دست یافته است.

این اجمالاً نکات و مطالبی بود که درباره آثار شکر مطرح شد؛ البته اگر بخواهیم درباره شکر تفصیلاً بحث کنیم، بحث زیاد است؛ ما فقط اینجا به چند مطلب مرتبط با این بخش اشاره کردیم؛ چند مطلبی که اجمالاً لازم بود طرح آنها و به داستان بنی اسرائیل هم مرتبط بود. پنج مطلب راجع به شکر ذکر کردیم که آخرین آن درباره آثار شکر بود. ما راجع به انواع شکر، حقیقت شکر و امثال این مطالبی را ذکر کردیم. اینکه این شکر فقط باید در برابر خداوند باشد یا نسبت به مردم هم شکر جا دارد، قطعاً این چنین است؛ شکر در برابر منعم و محسن لازم است؛ اینکه می‌گویند شکر منعم از دید عقل واجب است، این منعم اطلاق دارد، شکر هم اطلاق دارد؛ این یک حکم عقلی و عقلایی است، و لذا بنی اسرائیل خداوند به آنها نعمت داد، آنها را از ذلت در آورد، عزت داد، دشمنان آنها را به هلاکت رساند، اما اینها گوساله پرستی کردند. بعد از گوساله پرستی و ظلمی که کردند، خداوند آنها را بخشید؛ اینها همه برای این بود «لعلکم تشکرون» برای اینکه شما شکر به جا بیاورید، برای اینکه از این آزمون‌ها سربلند بیرون بیاید، برای اینکه از میدان ابتلا موفق خارج شوند. این بحث‌هایی که مطرح کردیم قابل تطبیق بر این موارد و مطالبی که گفتیم هست و با تطبیق بر آن، این نکات کاملاً معلوم می‌شود. تقریباً مطالبی که در این آیه لازم بود ذکر شود را گفتیم. ان شاء الله در جلسه آینده آیه بعد را شروع می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. سوره نمل، آیه ۴۰.